



تربیتیون رسمی بسیج دانشجویی دانشکده
حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
شماره سوم | هفته اول مهر | سال ۱۴۰۳
مدیر مسئول: محمد مهدی ایزدی
سرمدین: امیر رضا سالاری

سنگ چخماق وفاق

بررسی ابعاد ایده مرکزی دولت چهاردهم
و نقش مجلس در اجرای این ایده

محمد فخرا



هدیه به روح
دکتر رضا سراج،
مسئول اسبق سازمان
بسیج دانشجویی

نفاشد؟! مستند به آنکه خودشان هم تصریح کردند که اکثر کابینه را نمی‌شناختند و نظری ندادند. چه شد که به این راحتی از خرج شدن جایگاه رهبری و تزلزل جایگاه مجلس گذشتید؟!

■ دُم خروس

راز این مذاق خوش را باید در کلیدواژه دیگری یافت؛ وحدت. همانند وفاق، وحدت هم آن ابتدا کلمه‌ای زیبا بود و گرد. نه تحدید شده بود به قواعدی و نه تهدیدی بود برای عقیده‌ای؛ اصلاً منطقی هم به نظر می‌رسید. به هر کنش‌گر جریان راست گفته می‌شد وحدت خوب است و لازم الاجرا. خب کدام عقل سلیمی جرئت مخالفت داشت؟! بعضی اما در نقش عنصر نامطلوب سوالاتی به ذهن‌شان رسید که مثلاً وحدت حول چه عقیده‌ای؟ آنها که برائت را ترجیح داده‌اند دردمان چه

بوده؟ اصلاً وحدت چیست و چگونه ممکن می‌شود؟ نظیر همین سوالاتی که امروز برای وفاق مطرح است. بعدها دُم قدرت‌طلبی جریان آقای رئیس مجلس بیرون زد و مشخص شد که مدت‌هاست با کلیدواژه وحدت، سعی در حذف رقبای سیاسی و خالص سازی جناح راست دارد. بر مبنای این عقیده، هر کس خارج از سلیقه‌ی ما کنش‌گری کند یعنی وحدت نکرده، بازی بهم‌زن است و محکوم به حذف. و آن جریان معروف پاچوش و چنار.



القصه که وفاق هم مانند وحدت از آن کلمات خوش‌آوایی است که پایان خوشی ندارد. مثلاً رئیس‌جمهور محترم با لبخند دعوت به وفاق می‌کنند و فتنه‌گران را به کار می‌گمارند. به ما می‌گویند اختلافات را کنار بگذاریم و کسانی را به کرسی برمی‌گردانند که ذره‌ای پشیمانی در پیشانی‌شان قابل رؤیت نیست. دانشجویانی را حمایت می‌کنند که به امید انقلاب پوشالی خود، کلاس درس را تحریم کردند و مشروط شدند و در نهایت اخراج و حالا طلبکار دانشگاه.

■ سر و ته یک کرباس

آقای پزشکیان! ابوسفیان هر چه بود حداقل در آن دورانی که به قول شما برادر ما بود، اظهار ندامت کرد و اشک تمساح ریخت. این‌ها که همین عذرخواهی ساده را هم کسر شأن خود می‌دانند. گویی وفاق هم مانند وحدت کلیدواژه‌ای برای ساکت کردن مخالف و بستن دهان‌ها است. یکی را اصلاح‌طلب به کار برد و دیگری را اصول‌گرا. و هر چه می‌گذرد بیشتر معلوم می‌شود که این باندهای سیاسی چه اشتراکاتی در قدرت‌طلبی و بده‌بستان‌ها دارند. هر چه می‌گذرد این‌ها به هم نزدیکتر می‌شوند و از انقلاب و مردم دورتر.

در میانه‌ی جنگ‌های صلیبی، اگر ندایی بلند می‌شد و همه را به وفاق دعوت می‌کرد، جان هزاران شوالیه و سرباز کماندار عرب نجات پیدا می‌کرد. شاید اصلاً دیگر قایل، هابیل را نمی‌کشت. به قول آقای پزشکیان در چارچوب وفاق می‌شود با ابوسفیان هم برادر بود. رئیس‌جمهور محترم اخیراً در تعریف ماجرای فتح مکه گفت: «آن جا پیامبر نگفت مؤمنین برادر هستند؛ بلکه ابوسفیان و همه کسانی که مسلمانان را کشته بودند و تسلیم شده بودند و معلوم نبود باورشان چقدر درست است، همه را برادر و ید واحد خواندند. لذا چرا ما باید در این مملکت اختلاف و دعوا داشته باشیم؟!».

■ برادری با ابوسفیان به چه شرطی؟

بله آقای پزشکیان! گاهی ابوسفیان هم برادر ماست؛ اما مرز این وفاق تا کجاست؟ چه زمانی باید بر این برادر سابق شمشیر کشید و کی برایش آغوش گشود؟ آیا وفاق مورد نظر شما در حد «دوست باشیم» است یا اهدافی در پس خود دارد؟ بالاخره این واژه‌ای که امروز ورد زبان دولتمردان شده، باید معنا و حدود و ثغوری داشته باشد.

تا به امروز که جز کلیات بایی گشوده نشده است. پس ما جبراً برای شناخت

کل، به تحلیل جزء می‌پردازیم تا از این وفاق رمزگشایی کنیم:

■ دو سنگ چخماق

علی‌ای حال همراهی مجلس با دولت در تأیید تمام کابینه اتفاقی است که به مصداقی از وفاق تعبیر می‌شود. اما جالب اینجاست که این امر بر مبنای تخصص وزرای پیشنهادی صورت نگرفت. رسانه‌های حامی رئیس‌مجلس همچون «مشرق نیوز» این اقدام را با چنین استدلالی توجیه کردند که نباید هیچ بهانه‌ای برای شروع کار به دولت وفاق داده شود. همین شد که یک حامی فتنه از نوع ۴۰۱ و ۸۸ هم رأی اعتماد گرفت. حتی خود اصلاح‌طلبان هم انتظار چنین سطحی از وفاق را نداشتند؛ چرا که در ریاست همین رئیس‌مجلس در دوره‌ی یازدهم و دولت شهید رئیسی، خبری از همراهی حداکثری برای شروع به کار نبود. آن زمان کابینه با سخت‌گیری بررسی شد و چند وزیر پیشنهادی رأی اعتماد نگرفتند. اما چه شد که حالا کلیدواژه وفاق به مذاق رئیس‌مجلس و جریان حامی‌اش خوش آمده؟! چه شد که رئیس‌جمهور محترم در صحن علنی از اعتبار مجلس می‌کاهد و قالبیاف اخم هم بر ابروانش نمی‌آورد؟!

آنجا که پزشکیان تلویحاً همه را بر این ظن گماشت که تمام اعضای کابینه به تأیید رهبری رسیده است و سکوت سنگین رئیس‌مجلس که حکم موافقت را داشت. قالبیاف بی‌آنکه اعتراضی به زبان بیاورد از این جملات گذر کرد و نگفت که مگر رهبر انقلاب خود بر استقلال رأی مجلس تاکید نداشتند؟! مگر خود ایشان نفرمودند که به نقل قول‌ها اکتفا نشود و ملاک

انتقام فراموش شده

با کسانی که با شما جنگ می کنند در راه خدا بجنگید و تعدی نکنید زیرا خدا تعدی کنندگان را دوست ندارد (بقره/۱۹۰)

■ نتیجه عقب نشینی غیر تاکتیکی

غضب الهی مشمول حال کسانی خواهد شد که در راستای جهاد پایشان بلرزد و بدون برنامه از مواضع خود عقب بکشند. این هشدار رهبری نسبت به شرایط منطقه ای ایران بود؛ هشداری که دولت چهاردهم باید آن را سرلوحه کار خود قرار می داد و ولایت پذیری را به گرفتن رای اعتماد از مجلس محدود نمی کرد.

بیش از پنجاه روز از ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس در قلب ایران می گذرد؛ این در حالی است که فرمانده کل قوا، خونخواهی او را وظیفه جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده

است. حدود پنج ماه قبل نیز مقام معظم رهبری در واکنش به حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق فرمودند: «رژیم خبیث به دست دلاورمردان ما مجازات خواهد شد». کمتر از دو هفته بعد، عملیات وعده صادق در پاسخ به رژیم سفاک اسرائیل صورت گرفت.

در این دو حادثه نقض حاکمیت و تمامیت ارضی ایران توسط یک رژیم واحد انجام گرفته و دستور فرمانده کل قوا نیز در هر دو مورد یکسان، صریح و شفاف بوده است؛ اما سوالی که پیش می آید در رابطه با فاصله بین این دو دستور رهبری و عملی شدن فرامین است.

■ بازدارندگی از دست رفته

به تأخیر افتادن خونخواهی شهید هنیه توسط دولت جدید تأثیر بسزایی در بازدارندگی نظامی و امنیتی ایران داشته و نمود آن را می توان به صورت کاملاً واضح در گفته سابرینا سینگ، معاون سخنگوی پنتاگون مشاهده کرد: «توانایی ای که ما در منطقه داریم، در حال حاضر بیشتر از زمانی است که ایران به اسرائیل حمله کرد». **ترور سفیر ایران در لبنان** نیز یکی از نشانه های تضعیف بازدارندگی ایران در منطقه پس از ترور بی پاسخ شهید هنیه است. اگر همین روند در ادامه نیز پیش گرفته شود، حاصلی جز جو امنیتی بیشتر در ایران و نقض حاکمیت ملی نخواهد داشت.

■ پا گذاشتن روی مفاهیم اصیل

در کنار مسائل نظامی و امنیتی، عدم پاسخگویی به این

هتک حرمت اسرائیل، به مفاهیم پایه ای انقلاب اسلامی نیز آسیب خواهد رساند. در این شرایط مفهوم امت واحد در ذهن کشورهای محور مقاومت کمرنگ خواهد شد؛ همان طور که پس از توییت تحریف شده از صحبت های دکتر پزشکیان که گفته بودند قدرت و توان نظامی باید در جهت خدمت به مردم و برای ایران به کار گرفته شود، رسانه فلسطینی غزه الان با پستی مبنی بر بی ارزش شدن خون شهدای محور مقاومت واکنش نشان داد. این عدم توجه به اذهان عمومی، در ادامه جنگ روانی را بر علیه ایران رقم خواهد زد که روند از دست دادن بازدارندگی نظامی و امنیتی را تسریع می کند.

■ راه حل های تاریخ مصرف گذشته

پاسخ هایی همچون حمله ترکیبی و زمان بر که از سوی برخی تحلیلگران به گوش می رسد در شرایط بحرانی حال حاضر محور مقاومت (۳۷ شهید و نزدیک به ۳۰۰۰ نفر مجروح در لبنان) با توجه به واقعیت میدان، کاربردی به نظر نمی آید. آنچه که واضح است، تغییر موقعیت ایران از

مقام پشتیبانی به مقام عملیاتی است. اقتضای چنین شرایطی حفظ بازدارندگی و مقابله با نقض تمامیت ارضی کشور است. مرور روند اتفاقاتی که از حمله به کنسولگری دمشق شروع شدند و تا به امروز ادامه پیدا کرده اند، معیار مناسبی برای مقایسه شرایط ایران با دو رویکرد پاسخ دهی متقابل و انفعال است.



رژیم صهیونی جنایتکار و تروریست، میهمان عزیز ما شهید هنیه را در خانه ای ما به شهادت رسانید و ما را آزار کرد، ولی زهی می مجازاتی سخت برای خود را نیز فراهم ساخت... ما در این حادثه ای تلخ و سخت که در حریم جمهوری اسلامی اتفاق افتاده است، خونخواهی او را وظیفه ی خود می دانیم.

سید علی خامنه ای
رهبر انقلاب اسلامی
۱۳۹۷/۰۷/۰۷

■ دو راهبرد اساسی

رویکرد دولت چهاردهم در برابر تعرضات اسرائیل، در صورت عدم تغییر، نتیجه ای جز ادامه و تسریع روند تضعیف جایگاه ایران در منطقه و از دست رفتن بازدارندگی نخواهد داشت؛ این در حالی است که مقام معظم رهبری و رهبران جبهه مقاومت در موقعیت های مختلف بر تغییر این روند تأکید کرده اند. یادآوری گزاره «إِنِّي سَلِّمٌ لِمَنْ سَلَّمَ لِمَنْ سَلَّمَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَ وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ» در دیدار با دست اندرکاران ستاد کنگره ملی شهدای استان کهگیلویه و بویراحمد و گفته سید حسن نصرالله پس از عملیات اربعین مبنی بر اینکه مقاومت لبنان حاضر نیست پاسخ به ترورها را بیش از حد به تأخیر بیندازد، نمونه های روشنی هستند که نشان می دهند این عدم پاسخگویی نه یک تصمیم همه جانبه حکومتی، بلکه یک تصمیم دولتی است که بر اثر فشار عوامل دولت گرفته شده است.

■ زهرا غروی

دانشجو هم می تواند مجرم باشد.

محسن احدزاده اقدم

بود؛ افرادی چون علی کریمی، یک شبه تبدیل به مبارز سیاسی و فعال مدنی شده و از این راه دکانی برای کاسی های خود باز کردند.

■ تاوان یک خشم فروخورده

ریشه های امنیتی اغتشاشات زن، زندگی، آزادی بیشتر از ریشه های فرهنگی اش محل کنکاش است. از منظر نگاه اخلاقی-دینی رسمیت یافتگی انقلاب جنسی در ایران با روتوش مسئله زنان بود؛ طوری که تن نمایی بدل به شجاعت و مایه افتخار قلمداد می شد. خشونت کلامی و جنسیتی که از این شورش ساطع می شد، خود را به خوبی در واکنش به شهادت آیت الله رئیسی و موزیک تحکم آمیز «روسری ات را در بپار» نشان داد. همچنین این شورش، خواهان نفی تمامیت مذهب بعنوان عامل مشروعیت بخش نظام سیاسی و حذف هویت چند صدساله ایرانیان یعنی تشیع بود.

■ عادی سازی مفاهیم غیرعادی

از نگاه ملی نیز این شورش سبب عادی سازی تجزیه طلبی و نفی تمامیت ارضی کشور شده است؛ پایین کشیدن پرچم ایران در مناطقی از کردستان و تجزیه طلبی چون عبدالله مهدی حمایت می کند و به واسطه لابی های خود چون مریم معمار صادقی تحریم و حمله نظامی به کشور را تئوریزه می کند. مسائل مربوط به تیم ملی فوتبال نیز نیاز به توضیح ندارد. اما جالب است بدانید قهرمانی تیم ملی سوریه در سال ۲۰۱۲ در مسابقات غرب آسیا، سبب احترام مشترک معارضین و نظام سیاسی بود؛ اما در سال ۱۴۰۱ گروهی هر اشتراکی با نظام مستقر را لایق توهین و ابراز خشونت می دانست. از دیگر خطرات این شورش برای آینده ایران آن بود که در صورت موفقیت و براندازی نظام، با وجود غلظت نفی وضع موجود، هیچ گونه مانیفست ایجابی برای اداره کشور و تجسم بهشت آرمانی نداشتند و از ارائه یک نشریه اینترنتی نیز عاجز بودند و آگاهی خاصی را شکل ندادند.

■ یک تکه از پازل هزار تکه

دانشجویی که خود را بعنوان یک تکه پازل از این شورش خطرناک تعریف می کند، در فضای کاریکاتوری خود سیر می کند و در بهترین حالت، فریب برساخت رسانه و شبکه های قدرت را می خورد و بر اثر سطحی شدن و چه بسا تأثیر از جو می تواند مجرم باشد و جنایت کرده باشد؛ این دانشجو نباید با کلیدواژه وفاق و بدون آنکه از تحمیل چنین خطراتی بر کشور پشیمان باشد به دانشگاه برگردد و مجدد در دسرساز شود.

بازگشت دانشجویانی که به پتک سخت واقعیت برخورد کرده اند و اندکی مناسبات قدرت را فهمیده اند اما خجالت زده از اعتراف به آن هستند و همچنان وقیحانه از اقدامات خود دفاع می کنند، یعنی دانشجو می تواند بازپچه شود، شان دانشجو را پایین بیاورد اما هیچ هزینه ای ندهد.

■ واقعیت سازی رسانه ها

در عصری به سر می بریم که شبکه و رسانه در خدمت قدرت است و قدرت ها از طریق رسانه واقعیت را آن طور که هست به ما نشان نمی دهند؛ بلکه آنرا می سازند. اقلاری از دانشجویان که در فهم مسائل، خود را تافته جدا بافته می دانند، تبدیل به اراده هایی مسطح شده اند که گمان می برند حقیقت را فهمیده اند، واقعاً مورد ستایش و افتخار دیگران اند و کنش هایی مستقل از خواست شبکه های قدرت را پیگیری می کنند؛ در یک جمله فکر می کنند چنان آگاهی تاریخی به آنها منتقل شده است که فردوسی دوباره باید متولد شود و حماسه ها از شجاعت هایشان بنویسد. حتی کیس دانشجویان آمریکا و خیزش آنها را نیز باید ذیل سهم و نقش قطر در دانشگاه های ایالات متحده دید.

■ اولییتی که اولویت شان نبود

اغتشاشات زن، زندگی، آزادی مصداق واضح و دقیقی از وضعیت ذکر شده است. دانشجویی که قبل از اغتشاشات، وضعیت بد اقتصادی مردم را مهم ترین اولویت خود می پنداشت، هیچ خبری از شتک های حذف ارزش ترجیحی نداشت و نسبت به آن حتی موضع نیز نمی گرفت. همان اردیبهشت سال ۱۴۰۱ که برخی اعتصاب ها مثل اعتصاب شرکت اتوبوسرانی و اعتراضات پیرامونی در شهرهای استان خوزستان و اصفهان شکل گرفت و تورم مواد غذایی به شخصت و سه درصد رسید، صدایی از آن دانشجوی مدعی و آگاه شنیدید؟!

■ بازی در زمین رسانه ها

اما همین دانشجو پس از بولد شدن مشکوک گشت ارشاد، القای مسئله بودن حجاب برای کشور و مرگ مرحومه مهسا امینی، چون رسانه هایی در داخل و خارج مانند اینستاگرام و یا روزنامه سازندگی با تیتراژ «ارشاد شد» و بعدها «برای زندگی» بر آتش این حوادث دمیدند، با خطرناک ترین شورش چند دهه اخیر بر علیه کشور همراهی می کند؛ حال آنکه همین روزنامه شورش های ۹۸ را «دلک های» که چریک می شوند» خطاب کرده بود.

■ کدام حرکت مستقل؟!!

کما اینکه دیدارهای نازنین بنیادی با مقامات دولت بایدن، حامد اسماعیلیون با جاستین ترودو، مسیح علی نژاد با امانوئل مکرون، علی کریمی با اشتاین میسر و رضا پهلوی با بنیامین نتانیاهو، همگی حکایت از این دارند که پیشگامان این شورش تا چه حد مستقل از قدرت ها بودند.

■ از قهرمان بازی تا قهرمان سازی

دیگر موردی که سبب برساخت مسئله حجاب و تأثر آن بر برخی از دانشجویان شد، حضور سلبریتی های حامی روحانی در سال نود و دو و قهرمان سازی از آن ها